

عید نوروز را به همه هموطنان عزیز که آرزوی روزهای نوی آزادی را در سر می پرورانند صمیمانه تبریک می گوئیم.
امیدوار و آرزومندیم که مبارزات پیگیر ملت مبارز و غیور کشور ما برای تامین هدف های شریف خود به سرانجام پیروزی و آینده سعادت مند بیانجامد.

وابستگی کشور ما به انحصارهای خارجی ماهیت ضد ملی و خائنانه شان را به اهداف انقلاب بهمن 57 با وضوح تمام آشکار ساختند و کشور ما را هر چه بیشتر به اقتصاد سرمایه داری جهانی وابسته کردند.

سخن کوتاه، رژیم "ولایت فقیه" پس از استقرار به حل تناقضات و تضادهای موجود در جامعه عمل نکرد و به ویژه اکنون پس از گذشت بیش از سی سال از انقلاب بهمن 57، آشفتگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رژیم استبداد مذهبی را با بحران شدید و همه جانبه ای مواجه ساخته است. بحرانی که همه عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را دربر گرفته و تضادهای سیاسی-اجتماعی درون کشور را تشدید می کند و می تواند مردم زیادی را وارد عرصه مبارزه سیاسی کند. تردیدی نیست هزاران هزار نفر آماده اند تا بقدر توان خویش در مبارزه علیه رژیم استبداد مذهبی قرون وسطایی شرکت جویند.

در شرایط کنونی ادامه تفرقه در میان نیروهای مترقی و دموکراتیک لطمه جبران ناپذیری به جنبش ضد استبدادی و دموکراتیک خلق وارد می کند و چه بسا زمینه را برای سیاست سازان بورژوازی آماده تر سازد.

رویداد خرداد ماه 1388 در کشور ما در عمل نشان داد که توده مردم از رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" ناراضی هستند و تحت فشار اقتصادی و ترور و اختناق رژیم قرار دارند و در چنین شرایطی برای خواسته های خود وارد میدان پیکار علیه رژیم شوند. ولی از آنجا که سازماندهی و برنامه ریزی و رهبری آن با محافل و گروه های بورژوازی اصلاح طلب و نمایندگان بورژوازی وابسته و لیبرال و حامیان نظام سرمایه داری وابسته و افزون بر این تبلیغات وسیع اینترنتی و شبکه تلویزیونی خارجی در عرصه بین المللی به نفع اپوزیسیون بورژوازی اصلاح طلب در مبارزه علیه نیروهای قشری گرا بود. این کارزار وسیع انتخاباتی و تبلیغاتی که زمینه عینی در کشور داشت بر روی نسل جوان و قشر متوسط و بخشی از روشنفکران بورژوا و خرده بورژوا، بی تاثیر نبود. اما به علت ضعف و عدم قاطعیت نیروهای رهبری کننده نمی توانست قاطع باشد و توده مردم را به موج پر قدرتی در برکناری روحانیون سنتی و قشریون مذهبی از قدرت دولتی هدایت کند.

این نقصی است که فقط و فقط در نتیجه وحدت عمل نیروهای ملی و مترقی و میهن پرست ایران می تواند مرتفع شود. زیرا نقش نیروهای مردمی و خلقی در سازماندهی مبارزه اقشار مردم نیز تاثیر مهم دارد.

از این روست که حزب توده ایران برای اتحاد عمل همه نیروهای ملی و مترقی و میهن پرست و همه پیروان سوسیالیسم علمی در تشکیل



نشریه شماره 4 ، 20 اسفند ماه 1389

احمد قره باغی

برای ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری علیه تلاش محافل بورژوازی مبارزه کنیم

در سالهای نخست پس از پیروزی انقلاب بهمن 57، در شرایط ادامه جنگ مخرب با عراق، رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" حزب توده ایران، سنگر دفاع از انقلاب مردم میهن ما را مورد یورش وحشیانه که نتیجه سازش سران رژیم و نیروهای مذهبی حاکم به ویژه شخص خمینی با بازماندگان طبقات حاکمه ارتجاعی رژیم آریامهری یعنی سرمایه داران بزرگ تجاری و بزرگ مالکان بود، قرار داد. و برای پوشاندن سازش ننگین خود و با استفاده از شرایط جنگ و اعمال شیوه سرکوب که به صورت یک کمونیست ستیزی علیه حزب ما اتخاذ شده بود پیروان سوسیالیسم علمی، مبارزان آگاه و انقلابی راه آزادی زحمتکش ایران را مورد تهمت و افترا قرار دادند تا با سرکوب و توسل به زور و زندان، شکنجه و اعدام از فعالیت حزب توده ایران در عرصه سیاست جامعه ایران به سود ادامه حیات شان جلوگیری کنند.

روحانیون حاکم پس از سرکوب نیروهای مترقی و دگراندیش و دستیابی به رهبری انحصاری، با کمک دستگاه سرکوبگر قدرت مطلقه را به دست آوردند و با استقرار رژیم استبداد مذهبی قرون وسطایی بر کشور همراه با اعمال سیاست عمیقاً ارتجاعی، مردم میهن ما را از ابتدایی ترین حقوق دموکراتیک و آزادی های فردی و اجتماعی محروم کردند و در نتیجه تضادهای پیشین عمیق تر شد و تضادهای تازه ای آشکار گردید.

گردانندگان اقتصادی رژیم با پشتیبانی روحانیون وابسته به بزرگ مالکی و سرمایه داری با سمت گیری در جهت حفظ نظام سرمایه داری و بزرگ مالکی رژیم وابسته شاه، زیر پوشش اقتصاد اسلامی و در پیش گرفتن سیاست ضد ملی "درهای باز" و تشدید و تعمیق

ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری شرط اساسی برانداختن رژیم استبدادی "ولایت فقیه" است.

جبهه ضد دیکتاتوری مرکب از مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی اهمیت فوق العاده قائل است.

پس از جریان خرداد ماه 1388، تلاش برای اصلاحات در چارچوب نظام حاکم با شکست کامل روبرو شد. این تلاش عبث از یک سو صحت شعارهای اصلی حزب توده ایران داور بر اتحاد همه نیروهای ملی، دموکراتیک و ضد استبدادی در جبهه ضد دیکتاتوری برای مبارزه قاطع علیه طبقات حاکم ارتجاعی که علنا به مردم ایران خیانت کرده اند، تغییر رژیم و طرد حاکمیت رژیم موجود، استقرار حکومت ملی در ایران و لزوم تحول بنیادی جامعه و تامین استقلال ملی، را در میان خلق برجسته تر کرد. از سوی دیگر، ماهیت سازشکارانه شرکت در انتخابات فرمایشی رژیم، آن هم زیر نام حزب توده ایران به قصد فریب مبارزان توده ای و هواداران تحول بنیادی جامعه به بهانه سازماندهی و بسیج توده ها، شکست ارتجاع در پای صندوق رای، دستیابی به آزادی و دموکراسی از طریق انتخابات در شرایط اختناق رژیم "ولایت فقیه"، ولی در واقع به منظور ائتلاف با جناح بورژوازی اصلاح طلب برای جلوگیری از یک دست شدن حاکمیت دولتی در رژیم استبدادی، نه تنها قصد فریب و فریبکار بلکه صحت نظریه حزب توده ایران مبنی بر اینکه، "اصلاحات در چارچوب رژیم "ولایت فقیه" امکان پذیر نیست" و "دسترسی به آزادی و دموکراسی در چارچوب رژیم ممکن نیست"، محتوای اصلی این سمت گیری سازشکارانه و گرایش اپورتونیستی راست روانه و دنباله روی از بورژوازی، چهره واقعی عناصری که می کوشند حزب ما را از راه ایدئولوژی مارکسیستی-لنینیستی آن منحرف کنند و به سمتی مغایر با برنامه و اهداف و اصول ایدئولوژیک آن سوق دهند و به منجلا بپورتونیسیم بکشاند و حزب طبقه کارگر را به یک حزب رفرمیست در خدمت بورژوازی از انواع احزاب غیرمارکسیستی مانند احزاب سوسیال دموکرات اروپا و حزب لیبرالیست انگلیس تبدیل کنند، را آشکار کرد.

پس از جریان دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری رژیم در خرداد ماه 1388 و شکست تلاش جناح اصلاح طلب و متحدینش برای جلوگیری از یکدست شدن قدرت در رژیم موجود، در محافل بورژوازی تلاش پر تب و تاب در جریان است تا شاید جریانی را بوجود آورند که با نوعی مرکز رهبری متکی بوده و ضمن حفظ مناسبات سرمایه داری وابسته در کشور ما با شیوه "فرماندهی" مظاهر خودانگیخته مبارزه مردم در کشور را رهبری کند و اخیرا بساط "شورای جنبش سبز" را براه انداخته اند.

در این زمینه نمایندگان بورژوازی وابسته می کوشند نفوذ خود را در میان توده های وسیع رسوخ دهند و برای رسیدن به این هدف ضرور می بیند تا از نفوذ نیروهای مترقی و ملی در میان خلق بکاهند.

این تلاش محافل ضد کمونیستی به قصد فراهم کردن شرایط برای تشکل بورژوازی وابسته و جلوگیری از اینکه نیروهای ملی و مترقی ایران در یک جبهه متشکل شوند بینهایت قابل تامل و بسیار افشا کننده است و جا دارد نیروهای ملی و مترقی و انقلابیون پیگیر ایران که خواستار تحول بنیادی اجتماعی-اقتصادی به سود محرومان جامعه اند، این روند را با دقت کامل دنبال کنند.

این گونه تلاش های مذبحانه اکنون پس از شکست مشی لیبرالی اصلاح مسالمت آمیز در چارچوب رژیم از جانب محافل بورژوازی بزرگ وابسته و تعدادی از گروه های خرده بورژوا روشنفکر که به رفرمیست و تحول جامعه بورژوازی دل بسته اند و نیز اشخاصی که خود مدعی عضویت و رهبری حزب توده ایران هستند و عملا تمام هم خود را برای همکاری با جریان های سیاسی بورژوازی بزرگ به کار بردند تا شاید اعتبار برتر حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران و جنبش کارگری و دموکراتیک جامعه ما را بر سازمان های بورژوازی خدشه دار سازند و جاده را برای گسترش نفوذ ایدئولوژی بورژوازی و جایگزین کردن آلترناتیو بورژوازی خودی بجای حاکمیت روحانیون و مذهبیون قشری هموار نمایند، برملا شده و شکست این تلاش نوین محافل سرمایه داری جهانی و نمایندگان بورژوازی بزرگ وابسته نیز محتوم است.

در برابر تلاش نمایندگان بورژوازی بزرگ وابسته که برای گسترش نفوذ ایدئولوژی بورژوازی زمینه سازی می کنند تا توده مردم را از راه انقلابی و از اعتقاد به ضرورت تحول بنیادی جامعه که حزب توده ایران مبشر آن بود و هست، روی گردان سازند.

باید از ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری با شرکت همه نیروهای مترقی و دموکراتیک دفاع کرد و به سازماندهی در میان توده ها پرداخت.

در سال جدید که مردم میهن ما وارد مرحله حساسی می شوند. در این مرحله ما امیدواریم که پیروان سوسیالیسم علمی با دیگر نیروهایی که به آزادی و استقلال، ترقی و عدالت اجتماعی علاقه مندند، موفق شوند راه را برای تحکیم اتحاد و وحدت عمل همه نیروهای راستین هوادار تحول بنیادی جامعه فراهم کنند.

1389/12/15

درجبهه ضد دیکتاتوری علیه رژیم استبداد مذهبی ولایت فقیه

متحد شویم

در این اوضاع و احوال که رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" نه تنها هرگونه جنبش انقلابی و دموکراتیک طبقات و قشرهای جامعه، حتی بی آزارترین مظاهر ناخرسندی از قانون شکنی، غارتگری و زورگویی، "ولی فقیه" وانصارش را به وحشیانه ترین شیوه ها سرکوب می کند. در شرایطی که ماموران وزارت اطلاعات و سرسپردگان رژیم در ارگان های سرکوبگر و گروه های ضربتی سپاه پاسداران، بسیج، پلیس، میهن ما را برای اکثریت قریب به اتفاق جامعه به جهنم واقعی مبدل ساخته اند و حتی اصلاح طلبان حکومتی و سرمایه داران لیبرال و اقشار مرفه از گزند آنان در امان نیستند، برانداختن رژیم استبدادی "ولایت فقیه" الزاما به هدف عمده و مشترک همه مخالفان این رژیم بدل می گردد و مقدم بر هر هدف دیگر مبارزاتی می شود.

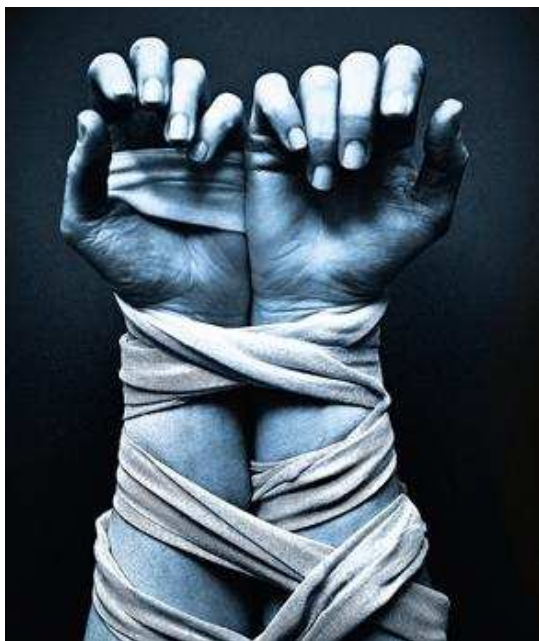
در جامعه کنونی ایران کمتر طبقه، قشر و گروه اجتماعی را می توان یافت که از خودکامگی رژیم "ولایت فقیه"، از تشدید بی سابقه فشار ترور و اختناق بجان نیامده باشد. و نیز در جامعه کنونی ایران علی رغم منع

می تواند عناصر تازه ای که از رژیم ناراضی اند، ولی هنوز به مبارزه علیه آن برنخاسته اند، نیز به صحنه نبرد بکشاند.

مبارزان توده ای در شرایط دشوار فعالیت های سیاسی گوناگون علنی و غیرعلنی در داخل کشور با تلفیق کار مخفی و علنی و رعایت اکید موازین پنهان کاری، باید با تمام توان در عرصه پیکار وارد شوند و در هسته های حزبی متشکل شوند. هسته های حزبی باید در راه گسترش مبارزه با سازماندهی و تبلیغ سیاسی و ترویج به طور موثر علیه رژیم ادامه دهند. در اوضاع و احوال کنونی برای تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری هیچ جایگزین دیگری وجود ندارد.

در شرایط کنونی که توده های مردم از رژیم ناراضی هستند و خواستار تغییر آن هستند وجود جبهه واحد با برنامه مشترک برای سازماندهی توده ها و جهت مشخص دادن به مبارزه آنها اهمیت حیاتی دارد. به ویژه در شرایط حاکم بر جامعه این وظیفه در برابر نیروهای ملی و دموکراتیک میهن ما قرار دارد.

پیروز باد مبارزه زنان ایران برای آزادی و برابری!



اکید هر نوع آزادی فعالیت سیاسی، باز هم کمتر طبقه، قشر و گروه اجتماعی را می توان یافت که به شکلی از اشکال، آشکار یا پنهان علیه رژیم منفور استبداد مذهبی قرون وسطایی در مبارزه نباشد.

خودسری، بیدادگری و غارتگری بی حساب گروهی اندک از خادمین گوش به فرمان "ولی فقیه" که در پهنه کشور می تازند و می کوشند رژیم را در چارچوب تامین منافع کلان سرمایه داران غارتگر و بزرگ مالکان نگه دارند، نفرت و بیزاری و برآشفستگی همگانی را از حدود طبقات و قشرهای زحمتکش فراتر برده است.

از آنجا که "ولی فقیه" و انصارش با توسل به حربه سرکوب و زندان مردم میهن ما را از ابتدایی ترین حقوق دموکراتیک و آزادی های سیاسی محروم کرده اند و درآمد ملی و محصول دسترنج توده های زحمتکش و تولیدکنندگان جامعه ما را به یغما می برند قشرهایی از محافل سرمایه داری حتی عناصری از سرمایه داران لیبرال و سازمان ها و شخصیت های سیاسی وابسته به آن با غارتگران و طبقات حاکم بزرگ مالک و کلان سرمایه داران تجاری و بورژوازی بوروکراتیک (اداری) در دستگاه فاسد و دزد رژیم و درراس آنها روحانیون و سران رژیم، وارد اصطکاک و تضاد می شوند و رژیم استبداد مذهبی و ارگان سرکوبگر آن برای حمایت از قشر فوقانی بورژوازی بزرگ تجاری و درهم کوبیدن این نوع رقیبان سرمایه داری بزرگ تجاری، بیش از پیش به حربه "قدرت مطلقه ولایت فقیه" متوسل می شوند.

بدین سان همان طور که می بینیم پس از جریان خرداد ماه 1388 و سرکوب طرفداران مشی اصلاح مسالمت آمیز در چارچوب رژیم، خودکامگی رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" توده های وسیع مردم، طبقات و قشرهای روزبروز وسیع تری از کارگران، دهقانان، پیشه وران، روشنفکران، کارمندان و دانشجویان و زنان و نیز روحانیون مخالف و ارتشیان و نویسندگان و هنرمندان مترقی و نیز قشرهای ناراضی سرمایه داران را به عرصه مبارزه هر چه گسترده تر علیه ستم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رژیم استبدادی "ولایت فقیه" می کشاند.

ولی با وجود متنوع بودن بی سابقه این نیروها، اثربخشی مبارزات آنان به هیچ وجه با امکانات بالقوه آنان قابل مقایسه نیست. علت آن نیز روشن است: این نیروها پراکنده عمل می کنند و ضربات پراکنده نیز بر دشمنی که قدرت متمرکز بسیج و سپاه پاسداران و نیروهای سرکوبگر مسلح را در اختیار دارد، نمی تواند کارگر باشد.

ناهمگونی این نیروها، متنوع بودن آماجهای مبارزه، و به تبع منافع کاملا ناهمگون آنها که امری است طبیعی، به هیچ وجه نباید مانع از توجه آنها از دشمن عمده، اصلی و مشترک که همانا رژیم دیکتاتوری مذهبی "ولایت فقیه" است بشود.

هدف از تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری از یک سو تامین وحدت عمل نیروها و جریان هایی است که اگر چه اکنون علیه رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" در مبارزه اند ولی مبارزات آنان به علت پراکندگی و ناهمگونی اثربخشی لازم را ندارد. از سوی دیگر تشکیل این جبهه

فرخنده باد روز هشتم مارس، روز جهانی زن!

در مطبوعات داخل کشور خبرهایی درباره مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منتشر می شود که می تواند ماهیت ارتجاعی و ضد ملی رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" را منعکس سازد. پاسخ ما در قبال عملکرد خانانۀ محافل ارتجاعی نه برای متقاعد کردن آنها بلکه صرفاً به منظور روشن کردن افکار عمومی ایران است.

از ایران چه خبر

در مطالب زیر که به نقل از مطبوعات داخل کشور ارایه شده از جمله چنین می خوانیم:

درباره بالا گرفتن اختلاف در جناح بندی های حاکمیت

محمد هاشمی (رفسنجانی) عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام رژیم می گوید: "جریان اعتدالی است که می تواند کشور را نجات دهد." (سایت آفتاب 8 بهمن ماه 1389)

محمد هاشمی راه خروج از بحران سیاسی موجود را منحصر به پیروی از خط "اعتدال" رفسنجانی و شرکا می کند. چگونه می توان به سازش و "وحدت کلمه" میان جناح اصلاح طلب با روحانیون قشری و گروه های ارازل و اوباش در سپاه پاسداران و دیگر نهادهای سرکوبگر که در شرایط بحران پس از برکناری گروه های اصلاح طلب، حاکمیت دولتی را قبضه کردند، دست یافت؟

در این باره باید گفت توافق با خط اعتدال و سازش با اصلاح طلبان از سوی نیروهای قشری گرا از محالات است. در این نزاع شیوه انحصارگرایی و توسل به قدرت طلبی و خودمحوری برای تحمیل نظریات به مخالفان از جانب نیروهای راست گرا و قشری رواج دارد.

الهام مشاور حقوقی رئیس جمهور اظهار داشت: امروز وارد عرصه قوه مجریه شده اند و دارند اختیارات مسلم قوه مجریه را محدود یا سلب می کنند، در گام دیگر وارد اختیارات شورای نگهبان و در گام سوم نیز وارد اختیارات رهبری خواهند شد و چه تضمینی وجود دارد که با این روش، یکبارۀ شاهد یک قانون اساسی جدید و یک نظام جدید نباشیم. (روزنامه ایران 9 بهمن ماه 1389)

هاشمی رفسنجانی در ادامه موضع گیری خود می گوید:

"در خصوص مسائل کشور مواضع خود را به صورت مشخص در آخرین حضورم در نماز جمعه تهران اعلام کردم و اکنون نیز به آن معتقدم." (سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام 1389/11/3)

مرتضی نبوی یکی از حامیان "ولی فقیه" و مدیر مسئول روزنامه رسالت در گفتگو با خبرگزاری فارس مسئله تشدید اختلاف در جناح بندی های حاکمیت را مطرح می سازد و می گوید:

"مردم انتظار دارند سران قوا نماد وحدت در کشور باشند و از هرگونه اختلاف اساسی و درگیری پرهیز کنند. حل اختلاف از طریق تریبون های عمومی و رسانه ها کار درستی نیست. اینگونه روش ها نباید ادامه یابد. اکثر مجادلات سران قوا خلاف واقع است و می تواند مردم را نگران کند." (خبرگزاری فارس 8 بهمن ماه 1389)

این گفته خامنۀ ای نشان دهنده عمیق تر شدن روند اختلاف در صف نیروهای مذهبی حاکم است:

"من روی اتحاد تکیه می کنم. اتحاد و همدلی بین مسئولین کشور یک فریضه است. تعمد در مخالفت با آن امروز یک خلاف شرع است. بخصوص در سطوح بالا، همه به این توجه داشته باشند... یکی از کارهایی که دشمن می کند، بی اعتماد کردن مردم نسبت به مسئولین است. ما باید مواظب باشیم خودمان جوری حرف نزنیم که مردم به مسئولین کشور، مسئولین دولتی، مسئولین قضایی، سران قوه مقننه بی اعتماد بشوند که این بی اعتمادی ناهق است. دشمن این را می خواهد." (علی خامنۀ ای - کیهان 9 بهمن ماه 1389)

در ادامه روند اختلاف در میان نیروهای مذهبی حاکم با موضع گیری های نیروهای قشری گرا علیه عناصر مذهبی و مخالفان خود در صف حاکمیت کنونی مواجه هستیم. که برای منحرف کردن افکار عمومی آنها را سلاطین مالی و غارتگران بیت المال بیان می کنند. در چارچوب همین موضع گیری است که احمدی نژاد رئیس جمهور رژیم چندی پیش به مجلس نامه ای ارسال داشت و پاسخ چهار نفر نماینده مجلس به نامه احمدی نژاد اختلاف موجود را افشا می کند:

"تصویری که جناب عالی از وضع فعلی نظام در این نامه ارائه کردید این است که دو قوه از قوای سه گانه همراه با مجمع تشخیص مصلحت، که رئیس و اعضای آن با نصب مستقیم رهبری نظام تعیین می شوند و زیر نظر معظم له کار می کنند، به شکل غیرقانونی و با تبانی علیه قوه مجریه فعالیت می کنند. آیا این تصویر واقعی است؟ وجود این توهم زیانبار است چه رسد به ایراد اتهام در نامه سرگشاده." (جمهوری اسلامی 1389/11/9)

در حال حاضر رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" با بحران همه جانبه ای مواجه است. تشدید بحران سیاسی و بالا گرفتن اختلاف در جناح بندی های حاکمیت و ادامه و تشدید آن که رژیم با آن روبروست و نشان دهنده وضع بحرانی در حاکمیت است. این اختلافات را دست اندرکاران امور دولتی در مطبوعات مطرح می کنند که برای اطلاع از تضادهای محافل حاکمه رژیم و آگاهی از وضع موجود ضرور است.

چنانکه می بینیم، علیرغم تاکید رهبر رژیم مبنی بر "اتحاد و همدلی بین مسئولین" امروز ما شاهد گسترش اختلاف و تفرقه در

کلید خورده است، هیچگاه تعطیل نشده... در اولین شب آغاز اجرای طرح هدفمندی یارانه ها، وزرا و مسئولین مربوطه تا سپیده دم در این قرارگاه حضور داشتند... (رسالت 1389/11/9)

توسعه رژیم از پیامدهای حذف یارانه ها، خواب از چشم مسئولین رژیم ربوده است. بدین منظور احمدی نژاد و 11 تن از وزرای دولت، تا پاسی از نیمه شب، به بررسی اوضاع کشور و اتخاذ تدابیری جهت مقابله با حرکت اعتراضی توده ها می پردازند.

بدین ترتیب در کشور "نمونه اسلامی" که ارانه دهنده الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (به گفته خامنه ای) در سطح منطقه و جهان است. شاهد هرج و مرج بی پایان اقتصادی در قالب چندین هزار صندوق قرض الحسنه، شرکت های تعاونی اعتبار و صدها شرکتهای لیزینگی در حال فعالیت غارتگرانه هستند. لغت و لیبسی که فقط آن را در نمونه الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت!! می توان یافت.

آدرس سایت: www.rahehezb.blogspot.com

آدرس پست الکترونیکی: rahehezb@gmail.com

صف گروه های مذهبی در حاکمیت رژیم بر سر مسائل لاینحل اجتماعی و اقتصادی هستیم.

با وجود تشکیل هجده جلسه گفتگو بین نمایندگان و عناصر حاکمیت کنونی کشور از مجلس رژیم و تشخیص مصلحت نظام با شرکت احمد جنتی دبیر شورای نگهبان رژیم، بدون حضور و شرکت رئیس جمهور به علت اختلاف با مجلس و مجمع تشخیص، که گزارشات این جلسات به رهبر رژیم به تفصیل ارائه شد، و در نامه چهار نماینده مجلس ذکر شده و به دنبال آن، تاکید "ولی فقیه" مبنی بر علنی نکردن این مسائل، ولی احمدی نژاد با ارسال نامه ای به مجلس در واقع عملکرد مجلس و مجمع تشخیص را زیر سوال می برد.

بدین ترتیب رژیم "ولایت فقیه" با چنین وضعی برای بقای خود از یک سو با تشدید ترور و اختناق از سوی دیگر با حذف یارانه ها و فشار اقتصادی بر توده های وسیع زحمتکشان به دلیل گرانی مایحتاج عمومی بر عمق تضادهای حل نشده و تشدید بحران اقتصادی موجود می افزاید.

رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" بر مبنای احادیث و روایات مذهبی برای حل معضلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور از حل کوچکترین مسئله اجتماعی، ناتوان می باشد.

ارسال طرح ها و لوایح گوناگون از مجلس به شورای نگهبان رژیم و مجمع تشخیص نظام و منازعات بی پایان این دو نهاد با مجلس رژیم بر سر ابتدایی ترین مسائل اجتماعی و اقتصادی، کار را به جایی کشانده است که حتی با دخالت رهبر رژیم کار فیصله پیدا نمی کند. علنی شدن این مسائل (بر بام رساند) به گفته (شریعتمداری، شکنجه گر معروف و مسئول روزنامه کیهان) نشان از حادث شدن تضادهای درون حاکمیت و عدم تمکین جناح های رژیم به حکم رهبر رژیم مبنی بر وحدت و اتحاد می باشد.

ناتوانی رژیم "ولایت فقیه" در برابر بحران فزاینده ساختاری که به بحران عمومی سیاسی در عرصه حاکمیت دولتی مبدل شده، راهی را جهت خروج از بحران جز تشدید ترور و اختناق در مقابل خود نمی یابد. برای برون رفت از بحران کنونی که همه عرصه های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور را فرا گرفته، تنها راه خاتمه دادن به رژیم "ولایت فقیه" است که شرط تحقق آن تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری از همه نیروهای مخالف رژیم با هدف استقرار حکومت ملی متکی به اراده مردم می باشد.

- هزار و 90 تعاونی اعتبار، 7 هزار صندوق قرض الحسنه، 500 شرکت لیزینگی در کشور وجود دارد که نشان دهنده وجود 6 هزار و 993 صندوق، 106 تعاونی اعتبار و 470 شرکت لیزینگی بدون مجوز است و تعداد کل صرافی های غیرمجاز در کشور نیز مشخص نیست. (کیهان 9 بهمن ماه 1389)

- "بیش از سه ماه است که رئیس جمهور و تیم همراهش تا پاسی از شب را در جلسات شبانه (خیابان) پاستور می گذرانند... این جلسات شبانه که پیش از آغاز اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها